

نوع مقاله: پژوهشی
صفحات ۲۲۰ - ۱۹۵

بررسی تحلیلی عوامل مؤثر بر تفاوت رویکرد مفسران اهل سنت در آیات فضایل اهل بیت (ع)

۱ یعقوب فتح الهی
۲ رحمت اله عبدالله زاده
۳ محسن قاسم پور
۴ حمیدرضا فهیمی تبار

چکیده

در این مقاله با روش تحلیلی به منشأ رفتار مفسران اهل سنت در مواجهه با آیات فضایل اهل بیت (ع) پرداخته شد؛ مفسران بزرگ اهل سنت مانند فخر رازی و طبری و زمخشری که تقریباً موضع منصفانه تری نسبت به آیات فضایل اهل بیت (ع) در پیش گرفته و به مستندات تاریخی اکتفا کرده اند، گرچه معرفت شناسی اصیل آیات فضایل به دست نمی دهند و در بین برخی مفسران همچون قرمطی برخوردارهای متفاوتی هم در تفسیر آیات فضائل اهل بیت (ع) به چشم می خورد که همگی ناشی از باورهای مذهبی و شرایط اجتماعی و اختلاف نسبت به تشیع است. البته شرایط اجتماعی و حاکمیت سیاسی یک فرقه نیز به این مسئله دامن زده است؛ سکوت در برابر برخی آیات مورد اجماع صحابه، تفسیر خلاف دیدگاه مشهور، غفلت از منابع و یا تحریف منابع، عوامل عقیدتی و توجیه تکلف آمیز آیات فضائل، مهم ترین شیوه های این مفسران برای گذر از تفسیر این آیات است.

واژگان کلیدی

آیات فضایل، تفسیر، اهل بیت، مباحله، مفسران اهل سنت.

۱. دانشجوی دکترای رشته علوم قرآن و حدیث دانشکده الهیات، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

Email: yyyy.22562256@gmail.com

۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: abdollahzadeh_arani@yahoo.com

۳. استاد گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

Email: m.qasempour@atu.ac.ir

۴. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.

Email: h_fahimitabar@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۲/۱۰ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۴/۲۴

طرح مسأله

یکی از محورهای مورد بحث در مطالعات قرآنی آیات فضایل اهل بیت (ع) است. اهمیت بررسی این مسئله به‌ویژه با عنایت به تفاسیر متعدد و گوناگون قابل درک است؛ آیات فضایل اهل بیت (ع) مناقشات زیادی را در بین مذاهب اسلامی برانگیخته است و عده‌ای از مفسران اهل سنت از دریچه نگاه تعصب آمیز خود به آن پرداخته‌اند برخی از مفسران نیز جانب انصاف را رعایت کرده‌اند؛ این آیات در بین مفسران اهل سنت موافقان و مخالفانی دارد و هر کدام نیز در موافقت یا مخالفت با آن، دلایلی ارائه می‌کنند، بررسی آیات فضایل اهل بیت (ع) در بین مفسران اهل سنت موضوعی است که در نوشته‌ها و آثار دیگر احتمالاً مورد بررسی قرار گرفته اما، آنچه مسئله اصلی این پژوهش را تشکیل می‌دهد، رویکرد ویژه به عوامل مؤثر و دخیل در رویکرد مفسران اهل سنت به آیات فضایل اهل بیت (ع) می‌باشد.

باید تأکید کرد در منابع اهل سنت، با احادیث تفسیری در خصوص آیات فضایل اهل بیت (ع) برخوردهای متفاوتی صورت گرفته است؛ و به این شکل بوده است:

۱. همسویی با امامیه؛ ۲. نقد سندی احادیث ذیل آیات فضایل؛ ۳. تأویل؛ ۴. استناد به احادیث محرف؛ ۵. استناد به احادیث متشابه یا متعارض.

نوع مواجهه با آیات فضایل اهل بیت (ع) در بستر تاریخی خود قابل فهم هست؛ یعنی برای درک رخدادها باید به شرایط سیاسی و اجتماعی مفسران نیز پرداخت که زمینه‌های پژوهش حاضر را شکل می‌دهد؛ سیاست‌های رسمی حکومت، تساهل یا سخت‌گیری نسبت به تشیع، تسلط فرقه‌های مذهبی و دیگر عوامل بیرونی در نگاه مفسران اهل سنت تأثیراتی داشته است. گرچه نزول آیات فضایل به‌ویژه آیاتی همچون آیه مباهله، ولایت، اتصال، تبلیغ و آیه ليله المیت، دایه الارض و ... در برخی تفاسیر اهل سنت غیرقابل انکار است، ولی اغلب رویکرد مفسران اهل سنت به آیات فضایل اهل بیت (ع) متفاوت است و معرفت‌شناسی حقیقی از روح آیات اهل بیت (ع) فضایل فهمیده نمی‌شود؛ جریان‌شناسی این رویکرد و علل تفاوت آن و یا عوامل مؤثر بر رویکرد مفسران اهل سنت موضوع اصلی این پژوهش است.

آیات فضایل اهل بیت(ع)، آیاتی از قرآن هستند که درباره امام علی(ع) یا در مورد فضایل سایر ائمه اطهار نازل شده‌اند یا امام علی(ع) مصداق آن‌ها معرفی شده است. از ابن عباس نقل شده است آن مقدار از قرآن که درباره علی(ع) نازل شده، درباره هیچ‌کس نازل نشده است همچنین ابن عباس از رسول خدا(ص) نقل کرده خدا آیه‌ای را نازل نکرد که در آن «یا ایها الذین آمنوا» باشد، مگر آنکه علی در رأس مؤمنان و امیر آنان است او نزول بیش از ۳۰۰ آیه را در مدح علی(ع) دانسته است (ابن منظور: ۱۴۰۶ق، ج ۱۸، ص ۱۱). ما در این مقاله تلاش کردیم جریان شناسی کنیم و از هر دوره تاریخی شاخص‌ترین تفسیرهای اهل سنت را از متقدمین شروع کرده و به متأخرین رسیده‌ایم و نوع مواجهه مفسران با آیات فضایل را در حدود چندین عامل چارچوب بندی نمودیم...

روش انجام این تحقیق به صورت توصیفی - تحلیلی از طریق گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و با بهره‌مندی از ابزار فیش برداری است با رعایت اقتضائات یک پژوهش تاریخی است که سعی بر حفظ سیر تاریخی بحث و درک و تحلیل شرایط خاص هر دوره هست و در این پژوهش آیاتی که در بیان فضائل اهل بیت مسلم و قطعی است را در تفاسیر مورد پژوهش اهل سنت رصد و تحلیل می‌شود که عوامل مؤثر بر رویکرد آنان چه مواردی بوده‌اند و تا چه میزان و با چه زاویه دیدی به ذکر آیات فضایل و تفسیر و تبیین آن اهتمام داشته‌اند.

پیشینه تحقیق

تحقیقات مرتبطی نیز در این زمینه انجام گردیده است که به چند مورد اشاره می‌شود: قاسم باستانی ۱۳۸۸ در کتاب خود تحت عنوان "گزیده‌ای از فضایل امام علی(ع) از دیدگاه مفسرین و محدثین اهل سنت" در سه بخش دیدگاه اهل سنت در مورد آیات فضایل را مورد بررسی قرار داده است؛ این تحقیق در سه بخش تنظیم شده است: بخش اول: آیاتی که در شان علی(علیه السلام) نازل شده است؛ بخش دوم: فضایی که در شان علی(علیه السلام) وارد شده است؛ بخش سوم: امتیازات عملی علی(علیه السلام)، یعنی کارهایی که آن امام انجام داده‌اند.

علیرضا طیبی(۱۳۹۶) مقاله تحقیقی با عنوان " بررسی اهل بیت(ع) در تفسیر کشاف

و تطبیق آن با تفاسیر صافی و شواهدالتنزیل" تلاش کرده است که تطبیق آیات فضایل بر اهل بیت (ع) در این تفاسیر معروف اهل سنت واکاوی شود. به این نتیجه رسیده است که نتایج پژوهش حاکی از آن است که زمخشری اسباب نزول‌ها را به تفصیل بیان کرده است، اما در حوزه فضایل اهل بیت، تنها به حدود ۱۰ درصد (۲۱ آیه از ۲۰۰ آیه) پرداخته و در مواردی اندک به فضایل ایشان در ذیل آیات اشاره می‌کند. او نه تنها از ذکر برخی اسباب نزول مشهور و متواتر ذیل آیات مربوط به فضایل اهل بیت خودداری کرده، بلکه هیچ تحلیلی از چنین آیاتی به دست نداده و پیامدهای اجتماعی مربوط به آن‌ها را بیان نکرده است، اما حسکانی در تفسیر شواهدالتنزیل با بیش از ۱۲۰۰ روایت در ذیل ۲۱۰ آیه به فضایل اهل بیت از طرق عامه و فیض کاشانی در تفسیر صافی نیز از طرق خاصه به شرح و تبیین فضایل پرداخته است.

عبدالله میر احمدی و زهرا مدرسی راد (۱۳۹۶) در مقاله پژوهشی مشترکی که با عنوان "نقد تفسیر تفهیم القرآن درباره آیات فضایل بر اساس دیدگاه مفسران فریقین" انجام دادند به این نتیجه رسیدند که با وجود اندیشه تقریب‌گرایانه مودودی، برخورد وی با آیات فضائل چند گونه است که همگی ناشی از تعصب‌های مذهبی اوست. سکوت در برابر برخی آیات مشهور مورد پذیرش فریقین، تفسیر خلاف دیدگاه مشهور و توجه تکلف‌آمیز برخی دیگر از آیات فضائل مهم‌ترین شیوه‌های مودودی برای گذر از تفسیر این آیات است. این برخوردها نشان می‌دهد، اگر چه مودودی برخی از دیدگاه‌های جزمی سلفی را نقد و رد کرده است، اما در تعامل با آیات فضائل اهل بیت (ع)، همان مسیر سلفی را می‌پیماید.

محمد تقی اسدی و عبدالله حاجی علی (۱۳۹۷) در مقاله تحقیقی خود با موضوع "بررسی تطبیقی فضایل اهل بیت در آیه مباحله" به این نتیجه رسیدند که جمعی از مفسران اهل تسنن این فضیلت را می‌پذیرند، ولی برخی دیگر در بیان فضیلت اهل بیت در آیه تشکیک می‌کنند که پذیرفتنی نیست؛

فاطمه طهماسبی (۱۳۹۸) در مقاله پژوهشی خود با عنوان "بررسی آیات فضائل اهل بیت (علیهم السلام) در تفسیر ابن کثیر" به این نتیجه دست یافته است که این کتیر به برخی

از فضایل موجود اهل بیت در این آیات اذعان داشته و در عین حال، دیگران را نیز در بعضی از فضایل شریک دانسته است. با این حال، آن دسته از فضایل اهل بیت را که بر شایستگی حضرات معصومین (ع) برای کسب مقام ولایت بر است تاکید دارند، انگار کرده یا به دیگران نسبت داده است. حاصل پژوهش اینکه این کثیر بر خلاف تعهدش مبنی بر بیان حقایق قرآن، گرفتار استنباطات شخصی شده و در تفسیر این آیات، بر اساس تعصبات مذهبی خود عمل کرده و حتی به ماجرای لیلۃ المیت و غدیر خم که در کتاب تاریخش، متصل به آن‌ها پرداخته، اشاره نکرده است. این پژوهش عامل غرض شخصی مقرر را نمایان ساخته است.

این آثار و تحقیقات مرتبط گرچه در تدوین این پژوهش می‌توانند مفید باشند اما هیچ کدامشان اشتراک زیادی با ویژگی‌های پژوهش حاضر ندارند امتیاز و انحصار پژوهش حاضر در این هست که به تبارشناسی عوامل مؤثر بر رویکردهای اهل سنت در مواجهه با آیات فضایل می‌پردازد که به نوعی بررسی جریان فکر اهل سنت هست و تحقیق مشابه صورت نگرفته است. به همین خاطر پژوهش حاضر در نوع خود منحصر به فرد می‌باشد.

عوامل مؤثر بر رویکرد تفسیری اهل سنت در آیات فضایل اهل بیت (ع)

این عوامل در دو بخش مورد واکاوی قرار می‌گیرند؛ در بخش اول به عوامل درونی مثل، باورهای مذهبی و عقیدتی پرداخته می‌شود و در بخش دوم عوامل بیرونی و ساختاری همچون شرایط سیاسی، فرهنگ اجتماعی حاکم و میزان آموزش‌ها و منابع در دسترس موجود بررسی می‌شود.

بخش اول: عوامل درونی

عوامل کلامی

گروهی برانند که چندگانگی مفسران اهل سنت در برداشتهای خود از آیات قرآن علی‌الخصوص آیات فضایل، ناشی از اختلاف دیدگاه‌ها و شیوه‌های تفسیری صحابی در حجاز و غیر حجاز است، چه این که غنای حدیثی در حجاز و کمبود آن در خارج حجاز، همواره باعث اختلاف آنان در فهم معارف دین و آیات فضایل بوده است. صحابه مهاجر در بیرون حجاز در نتیجه فقر حدیثی به قیاس و رأی روی آوردند. برعکس صحابه باقی

مانده در حجاز به سنت و حدیث بسنده کردند. این اختلاف از صحابه به تابعان و از تابعان به شاگردان منتقل گردید. گروهی دیگر بر این عقیده‌اند که اختلاف مفسران اهل سنت در فهم آیات فضایل ناشی از تفاوت نگرش آنان در حجّت بودن و حجّت نبودن سخنان صحابه است؛ زیرا کسانی که قول صحابه را حجّت دانسته‌اند خود را بی‌نیاز از اجتهاد شمرده‌اند و به عکس آنان که سخن و نظر صحابه را حجّت ندانسته‌اند برای رهیافت به کنه دین ناگزیر به آیات فضایل پرداخته‌اند. شکل دیگر این نگرش‌های متفاوت را می‌توان در ترجیح سخن یکی از صحابه بر سایر صحابه شاهد بود مثلاً ابوحنیفه سخنان ابن عباس را بر سخن دیگران ترجیح می‌دهد و شافعی در بسیاری از مسائل آرای زید بن ثابت را بر دیگران ترجیح می‌دهد و همین موضوع به اختلاف بین پیروان صحابه منتهی شده است؛ در کنار عوامل یادشده عامل کلامی را نمی‌توان نادیده گرفت، این تفاوت‌های کلامی، در برداشت مفسران اهل سنت از قرآن نیز دخالت یافته است. در این زمینه سخن عبدالله کرخی حنفی (م: ۳۴۰) در خور درنگ است که می‌گوید: هر آیه و حدیثی که مخالف نظریه اصحاب ما [علمای حنفی] باشد، منسوخ است و یا باید تأویل برده شود (ذهبی، ۴۳۴/۲)

به نظر می‌رسد زمینه‌ها و بسترهای مختلفی در کنار حاکمیت شرایط اجتماعی جریان و مکتب خلفا بر مفسران آن جریان را کمک نمود تا عقاید کلامی خود را در تفسیر آیات فضایل دخالت داده و دفاع به ظاهر علمی و موجه از آراء خود داشته باشند، این بسترها و زمینه‌ها به خاطر وابستگی عقیدتی مفسران اهل سنت به عقاید کلامی خودشان هست آیه نازل شده مبنی بر اینکه از پیامبر و صاحبان امر از خودتان اطاعت کنید، نازل شد و در مورد علی و حسن و حسین نازل شد و در پی آن پیامبر در باره علی فرمود: هر که من مولای اویم پس علی مولای اوست همان طور که ملاحظه می‌شود، کار پیامبر و در ارتباط با امور یادشده بیان جزئیات و یا مصادیق آیات فضایل به مسلمانان و حتی نشان دادن چگونگی انجام این تکالیف در عمل هم بود (مجلسی، ج ۸۲، ص ۲۷۹) و در باره ولایت ضمن معرفی مکرر امام علی ما به عنوان وصی و جانشین خود و فضائل و شئون والای ایشان که در منابع تاریخی و حدیثی شیعه و سنی مضبوط است، (طبری، ج ۲، ص ۳۲۱) در واقعه

غدیر، به دستور خدای متعال امام علی را به ولایت منصوب فرمود. امام صادق به همه این کارها را با عنوان «تفسیر ولایت» یاد کرده است.

در مورد بازتاب تفسیر فضایل اهل بیت در منابع و تفاسیر اهل سنت، باید گفت که دانشمندان و مفسران سنی از ذکر روایات و تفسیر ائمه اهل بیت در کتاب‌های خود اجتناب نکرده‌اند؛ چنان که به عنوان مثال، با جستجوی رایانه‌ای عبارت: «قال علی بن ابی طالب» در ۶۶ تفسیر سنی، ۴۲۳۳ نتیجه به دست آمد؛ اما از جهت کیفیت و نوع برخورد با این روایات باید گفت که بسته به میزان انصاف و آزاد بودن عالم سنی از تعصبات مذهبی، وضعیت متفاوت است.

برخی از عالمان اهل سنت با ملاحظه بی‌انصافی در حق اهل بیت و در جامعه روزگار خود، آستین همت بالا زده و به تألیف کتاب و گردآوری آیات و روایات در خصوص اهل بیت از اقدام کرده‌اند که این کتاب‌ها در حقیقت تفسیر آیات ولایت محسوب می‌شود؛ (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۵، ص ۱۴۴) اما در آثار آن‌ها که در امتداد سیاست خلفا در منع نشر تفسیر اهل بیت و در راستای سیاست اعراض از اهل بیت از تعصب شدید آکنده بوده‌اند و تحت تأثیر تبلیغات اموی قرار گرفته‌اند، بخصوص صاحبان جوامع حدیث اهل سنت، کمتر به احادیثی بر می‌خوریم که از امامان اهل بیت از روایت کرده باشند. (طباطبایی، ج ۵، ص ۲۷۴)

برخی در کنار روایات موافق مذهب اهل سنت، به نقل روایات اهل بیت نیز پرداخته‌اند. گاه این افراد، تنها به همین سبب، از سوی متعصبان اهل سنت مورد طعن و تحقیر قرار گرفته‌اند. به عنوان مثال، محمد حسین ذهبی درباره ثعلبی صاحب تفسیر «الکشف والبیان» می‌گوید: «ثعلبی مردی کم بضاعت در حدیث است، او نمی‌تواند حدیث صحیح را از موضوع تشخیص دهد، و گرنه احادیث ساختگی شیعه درباره اهل بیت در تفسیر خود روایت نمی‌کرد(ذهبی، ج ۱، ص ۲۴۴) در جای دیگر می‌گوید: او نسبت به بسیاری از احادیث ساختگی بر زبان شیعه فریب خورده است؛ و به عکس درباره تفسیر ابن کثیر - که روش او خلاف افرادی مانند ثعلبی و حاوی بی‌انصافی بسیار در مورد آیات فضایل است. می‌گوید: «این تفسیر از بهترین کتاب‌های تفسیر به مأثور است.» (همان، ص

تأثیر پیش فرض‌های عقیدتی برخی مفسران اهل سنت در تفسیر قرآن کریم امری غیرقابل انکار است؛ چنان که این پیش دانسته‌ها، جهت‌گیری‌های فکری خاصی را به‌عنوان مراد الهی به خواننده متن انتقال می‌دهد و گاهی او را از ترجمه ارتباط دقیق بامعنای اولیه متن محروم می‌سازد. در این میان، ترجمه تفسیری یا محتوایی قرآن بیشترین امکان انتقال پیش دانسته‌ها از معنای این متن الهی را در پی دارد. آیات فضایل، شاخص‌ترین مصداق واکاوی پیش فرض‌های فکری مترجمان تفسیری اهل سنت محسوب می‌شود.

پس از ارزیابی شاخص‌ترین تفسیرهای قرآن ذیل آیات امامت و فضایل امام علی (ع) درمی‌یابیم که رویکرد آن‌ها مشابه مفسران مذاهب خویش است. از این‌رو، مفسران اهل سنت در ترجمه آیات مربوط به امامت علی (ع) و آیات فضایل تابع پیش فرض‌های کلامی هستند، ولی در این مورد دیدگاه یکسانی ندارند. چنان که در تفسیر طبری و زمخشری این پیش فرض‌های کلامی راجع به مسئله امامت کم‌رنگ است و ته‌رنگی از آن در ترجمه دیده می‌شود که چندان برجسته نیست. چنان که این دو مفسر در بیشتر موارد بدون هیچ اشاره‌ای از کنار آیه عبور می‌کنند و با نوعی انصاف، تفسیر خویش را از تعصبات فرقه‌ای می‌زدایند. هر چند بر خلاف قرمطی و... پیش فرض‌های کلامی در تفسیرش کاملاً برجسته است. او در تفسیر آیات امامت و فضایل امام علی (ع) با مترجمان شیعه اختلاف نظر دارد؛ شاهد این امر ترجمه متعصبانه و ارائه تفسیری کوتاه همراه با شرح لغات است که در غالب موارد مخالف با ظاهر آیات و روایات معتبر فریقین است. تعصب برخی مفسران تا بدان جاست که نه تنها در صدد کم‌رنگ کردن نقش امام علی (ع) در آیات مربوط به فضایل ایشان است، بلکه عملاً با تأویل آیات، عدم ارائه معنای صحیح کلمات یا تعیین محدوده مصداق آیات درباره اشخاصی غیر از حضرت علی (ع)، نزول این آیه را درباره ایشان انکار می‌کند.

تحریف سندی احادیث

عالمان و مفسران سنی گاه روایات صحیحی را از اهل بیت در کتاب‌ها و تفاسیر خود آورده‌اند، ولی به تحریف و تأویل آن‌ها پرداخته‌اند یا با اظهار نظر سست و گاه مغالطه در

تضعیف یا رد آن‌ها کوشیده‌اند. در اینجا پاره‌ای موارد ذکر می‌شود؛

طبری در جامع البیان و ابن کثیر در تفسیر خود با ذکر سند از امام علی بن ابی طالب در شأن نزول آیه: «وَأَنْزَلَ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ الشَّعْرَاءَ». داستان دعوت خویشان را نقل کرده‌اند، ولی کلمات کلیدی سخن پیامبر (وصیی و وزیر و خلیفتی فیکم) را حذف کرده و به صورت مبهم گفته‌اند:

فرمود: «.. فایکم یؤازرنی علی هذا الأمر فیکون أخی و کذا و کذا؟» ... قلت أنا یا نبی الله أکون وزیرک علیه، قائد پرقبتی ثم قال «إن هذا أخی و کذا و کذا، قاسمحواله وأطیعوا...» (طبری، ج ۱۱، ص ۱۷۵؛ ابن کثیر، ج ۶، ص ۱۵۳)

شگفت اینکه طبری در کتاب تاریخ خود این حدیث را بدون تحریف نقل کرده است. (طبری، ج ۲، ص ۳۲۰)

امام علی فرموده است: «فرض الله الإمامة نظاما للامة و الطاعة تعظمة للإمامة: خدا امامت را برای نظم و آرامش مردم و پیروی از امام را برای بزرگ شمردن مقام امامت واجب کرده است.» این مستند در نهج البلاغه شرح فیض الاسلام (ج ۴، ص ۱۱۶۷) نیز آمده است؛ اما در شرح (ابن ابی الحدید، ج ۱۱، ص ۵۱) به «الأمانة نظاما للأمة» تحریف شده است. از آنجا که ابن ابی الحدید شرح این عبارت را بر اساس امامت نوشته است، معلوم می‌شود که این تحریف در متن پس از او ناشیانه صورت گرفته است. شاهد درستی این مطلب، عبارت بعدی است که فرمود: «و الطاعة تعظیم للإقامة.»

امام علی می‌فرماید:

آری! خداوند از زمین هیچ‌گاه از حجت الهی خالی نیست، با پدیدار و شناخته است و با ترسان و پنهان از دنیا شده است تا حجت خدا باطل نشود نشانه‌هایش از میان نرود

ابن ابی الحدید در شرح آن گوید: «تا زمین از کسی که برای خدا بر بندگانش احاطه و اشراف دارد، هیچ‌گاه خالی نباشد.» (ابن ابی الحدید، ج ۱۸، ص ۳۵۱) و می‌افزاید: «و این سخن تقریبا تصریح به حقانیت مذهب امامیه است.»

آنگاه چنان که شیوه برخی دیگر از عالمان سنی است، به تحریف معنای حدیث علوی پرداخته می‌گوید: جز این که اصحاب ما آن را بر این حمل می‌کنند که مراد وی از

این سخن ابدال هستند، آنان که در اخبار نبوی در باره آنان سخن رفته است که آنان در زمین گردش می‌کنند، برخی شناخته شده و برخی ناشناس هستند و از دنیا نمی‌روند تا رازی را که همان عرفان است، نزد گروه دیگری که جانشین ایشانند، به ودیعه گذارند. این در حالی است که امام علی در ادامه سخن می‌فرماید: «آنان جانشینان خدا در زمین و دعوت کنندگان به دین او هستند.» (سید رضی، ص ۲۹۸)

مؤلف احکام القرآن از مفسران سنی در مراد از من عنده علم الكتاب (الزعاد/ ۴۳) چهار قول ذکر کرده است که قول سوم آن امام علی بن ابی طالب است. (ابن عربی، ۱۳۹۵، ج ۳، ص ۱۱۱۳) او در مورد این قول می‌گوید: «کسانی ائمه اهل بیت و شیعیان که گفته‌اند مراد علی بن ابی طالب است، بر دو وجه آیه را تأویل کرده‌اند؛ معتقدند که او عالم‌ترین مؤمنان است؛

به دلیل گفته پیامبر که فرموده است: «أنا مدينة العلم و علی یأئها.» من شهر علمم و علی در آن.

این مفسر سنی سپس بدون ذکر دلیل هر دو وجه را رد کرده است. او در مورد وجه اول گفته است: «و لیس كذلك، بل ابوبکر و عمر و عثمان اعلم منه» چنین نیست، بلکه ابوبکر و عمر و عثمان از او عالم‌ترند.

و در مورد وجه دوم گوید: «و هو حدیث باطل، النبی صلی الله علیه و آله و سلم مدینه علم و ابوابها أصحابه...» (همو، ص ۱۱۴) این حدیث باطلی است، پیامبر شهر علم است و ذرهای آن اصحاب او هستند

هیثمی روایت سلمان از پیامبر را نقل کرده است که فرمود: «وصی بدین معناست که او نسبت به خانواده‌اش وصیت کرد، نه به خلافت و جانشینی، (هیثمی، ۱۹۶۷م، ج ۱۹ ص ۴۷)

ابن کثیر در پی حدیث ابوجعفر امام باقر: «اهل الذکر» در آیه (النحل / ۲۳) گوید: «مراده: أن هذه الأمة أهل الذکر صحیح، فإن هذه الأمة أعلم من جميع الأمم السابقة.» (ابن کثیر، ج ۴، ص ۴۹۲) مراد وی این است که این امت، اهل ذکر هستند و این صحیح است، زیرا این امت از همه امت‌های پیشین داناترند..

جصاص گوید: شیعه گمان می‌کند که مراد از گفته خدای متعال: و اولی الأمر منکم) النساء (۵۹) علی بن ابی طالب (رضی الله عنه) است و این تأویل فاسدی است؛ زیرا «اولی الأمر» یک جماعت و گروه چند نفری است در حالی که علی بن ابی طالب و یک نفر است. (جصاص، ۱۴۰۵، ج ۳، ص ۱۷۸)

وی از جعفر باقری روایت کرده است که آیه: «إنما ولیکم الله ورسوله و الذی آمنوا الذین یقیمون الصلاة و یؤتون الزکاة وهم را کعون» در شأن علی بن ابی طالب نازل شده است آنگاه که انگشتر خود را در حال رکوع صدقه داد.

در ادامه با همان استدلال به رد این حقیقت پرداخته است: این آیه صفت همه مسلمانان است زیرا گفته خدای متعال: «آنان که ایمان آورده‌اند، همان ایمان آورندگان که اقامه نماز و ادای زکات می‌کنند در حالی که در رکوع نمازند، صفت جماعت است و برای یک نفر نیست. بدین ترتیب، روایات صحیح منقول از فریقین در شأن نزول این آیه را به‌طور کلی نادیده گرفته است. (جصاص، ج ۴، ص ۱۰۳)

در تفسیر آیه: «قل لا أسئلكم علیه اجرا إلا الموده فی القربی، بگو من از شما در برابر رسالتم مزدی طلب نمی‌کنم به‌جز مودت نسبت به خویشان؛ در کنار ذکر چند وجه، این تفسیر را ترجیح داده‌اند: یعنی مزدی از شما نمی‌خواهم جز این که به اطاعتی که شما را به خدا نزدیک می‌کنند، عمل کنید. (این کثیر، ج ۷، ص ۱۸۳)

ابن تیمیّه به ابن عباس نسبت داده که گوید: معنای آن مودت خویشان پیامبر که نیست... مراد این است که مزاحم او نشوند تا رسالت پروردگارش را ابلاغ کند (ابن تیمیّه، ج ۷، ص ۱۰۰)

ابن کثیر در پی آیه اثنی عشر نقیباء، به‌طور مستند از عبد الله بن مسعود نقل کرده که گوید: از رسول خدا سوال کردیم که این امت چند خلیفه خواهد داشت؟ فرمود: «اثنا عشر كعدة نقیاء بنی اسرائیل» دوازده نفر به تعداد نقیبان بنی اسرائیل، آنگاه می‌افزاید: «اصل این حدیث از حدیث جابر بن سمره در صحیحین ثابت است، آن جا که گوید: «از پیامبر شنیدم می‌گفت: «لا ینزال امر الناس ماضیه ما ولیهم اثنا عشر رجلا» همواره امر این امت... تا این که دوازده مرد ولایت آنان را به عهده بگیرند. سپس پیامبر کلمه‌ای گفت که بر من پوشیده

ماند، پرسیدم پیامبر چه گفت؟ گفتند: فرمود «کلهم من قریش» همه آنان از قریش هستند. (ابن کثیر، ج ۳، ص ۵۹)

سپس می‌گوید: معنی این حدیث بشارت به وجود ۱۲ خلیفه صالح است که حق را برپا می‌دارند و در میان امت عدل را اجرا می‌کنند؛ و می‌افزاید: لازمه این حدیث پی در پی بودن و پیوستگی روزگار این ۱۲ خلیفه نیست، آنگاه چهار خلیفه اول را از آنان شمرده سپس به پایان قرن اول، عمر بن عبدالعزیز رسیده و گوید برخی از بنی عباس نیز از آنان هستند. (همان)

شگفت این که وی اقرار می‌کند: «ظاهر این است که مهدی موعود و مورد بشارت در روایات، جزو آنان است که همانام پیامبر است و زمین را از عدل پر می‌کند، پس از آن که از ستم پر شده باشد.» (همان)

با این حال بدون ذکر دلیل، به شیوه استادش ابن تیمیه می‌گوید: «لیس هذا بالمنتظر الذی تتوهم الرافضة وجوده ثم ظهوره» (همان) این آن منتظری نیست که شیعه به وجود و ظهور او گمان دارد

همان‌طور که می‌بینیم فخر رازی باینکه معروف به اشکال تراشی در مسائل مختلف علمی است دلالت آیه را بر اینکه اولولأمر باید افراد معصومی باشند پذیرفته است، منتها از آنجا که آشنایی به مکتب اهل بیت (ع) و امامان و رهبران این مکتب نداشته این احتمال را که اولولأمر اشخاص معینی از امت بوده باشند نادیده گرفته است و ناچار شده که اولولأمر را به معنی مجموع امت (نمایندگان عموم طبقات مسلمانان) تفسیر کند، در حالی که این احتمال قابل قبول نیست، زیرا همان‌طور که گفتیم اولولأمر باید رهبر جامعه اسلامی باشد و حکومت اسلامی و حل و فصل مشکلات مسلمین به وسیله او انجام شود و میدانیم حکومت دست جمعی عموم و حتی نمایندگان آنها به صورت اتفاق آراء عملاً امکان پذیر نیست، زیرا در مسائل مختلف اجتماعی و سیاسی و فرهنگی و اخلاقی و اقتصادی که مسلمانان با آن روبرو هستند، به دست آوردن اتفاق آراء همه امت یا نمایندگان آنها غالباً ممکن نیست و پیروی از اکثریت نیز پیروی از اولولأمر محسوب نمی‌شود، بنا بر این لازمه سخن فخر رازی و کسانی که از دانشمندان معاصر عقیده او را تعقیب کرده‌اند این می‌شود که

عملا اطاعت از اولولأمر تعطیل گردد و یا به- صورت یک موضوع بسیار نادر و استثنایی درآید.

این موارد نشان می دهد که عامل تحریف منابع یا تحریف منابع در بین مفسران اهل سنت یکی از علل نگرش متفاوت آنها در نگرش به آیات فضایل بوده است

بخش دوم: عوامل بیرونی

شرایط اجتماعی به مجموعه شرایط سیاسی و اجتماعی و هرگونه آداب و رسوم و سبک زندگی حاکم در جامعه عصر نزول که در اصطلاح مفسران به فرهنگ زمان نزول معروف است، گفته می شود. توجه به فرهنگ زمان نزول در تفسیر آیات قرآن امری روشن و مطابق با سیره عقلا است(رجبی و دیگران، ۱۳۷۹: ۱۵۷) و نیز شامل شرایط اجتماعی عصر مفسر می شود، همان شرایطی که پیوسته در حال دگرگونی بوده و این دگرگونی گاهی موجب تغییر معانی برخی از واژگان نسبت به معانی زمان نزول شده (همان: ۹۸) و گاهی در اثر تقسیم بندی جامعه اسلامی به فرقه ها و مذاهب و نحله های مختلف (مکتب خلفا، مکتب ولایت) هر کدام پیرو یک مکتب خاصی شده و تاریخ گواه است که دخالت عقاید کلامی و غلبه شرایط اجتماعی توسط مفسران هر یک از مکاتب فوق (خلفا، ولایت)، موجب کاهش آزادی و قدرت انتخاب منصفانه و روشمند و افتادن در دام تفسیر به رای در تفسیر قرآن به خصوص در مسائل اعتقادی گردیده است (رستمی، ۱۳۸۸: ۱۸۵)

وابستگی فرقه ای

مکتب و جریان خلفا با اقداماتی که در انزوای اهل بیت با از بین بردن منابع و روایات پیامبر (ص) درشان و فضائل اهل بیت معصومین (ع) با اجرای سیاست های عدم تدوین حدیث، عدم توجه به اصحاب مورد اعتماد، ترویج جعل حدیث جهت فضیلت تراشی برای خلفا، اجازه نشر قصه ها و داستان های خرافی اسرائیلیات و در نهایت با تطمیع اصحاب و محدثان مزدور و دنیاطلب، موجب حذف و تغییر و تحریف احادیث نبوی و علوی به عنوان منابع دست اول در حوزه تفسیر قرآن و فقه و احکام شده و باب تفرقه و فرقه گرایی را باز نمودند(رستمی، ۱۳۸۸: ۳۹۱). یکی از آیاتی که در مورد فضیلت و جایگاه والای امامت و ولایت اهل بیت (ع) نازل شده و از دسیسه های سیاسی بی نصیب نمانده است، آیه مودت

است. جریان و مکتب خلفا برای این آیه پنج معنا و تفسیر ارائه داده‌اند که هر یک از آن معانی، ناشی از دوری آن‌ها از جریان و مکتب ولایت است. در این باره، باید توجه داشت که رشک بر امام علی (علیه‌السلام) حتی پس از شهادت آن حضرت نیز بروز یافت. برای نمونه، می‌توان از آن چه کمی پیش‌تر درباره کوشش حاکمان اموی برای محو فضایل علی (علیه‌السلام) گفته شد، یاد کرد که با تأمل بر محتوای آن کوشش، به روشنی می‌توان آن را به عنوان بخشی از موارد بروز رشک بر علی (علیه‌السلام) باز شناخت. هم چنین، باید دانست که ابوجعفر اسکافی از عثمانی‌ها (دوستاناران و پیروان خلیفه سوم که علی (علیه‌السلام) را دشمن می‌داشتند با عنوان حسود یاد کرده و گفته است که آنان، فضایل علی (علیه‌السلام) را مورد خدشه و طعنه قرار می‌دادند. (ابن ابی الحدید، ج ۱۳، ص ۲۱۵).

از میان تفاسیر اهل سنت در قرن چهارم که تحت تأثیر جریان اجتماعی مکتب خلفا (به خصوص در حوزه فقهی متأثر از مذهب حنبلیان) در آیات مختص به اهل بیت به‌ویژه آیه مودت، دو پهلو و ابهام گونه سخن رانده است، تفسیر طبری هست که به روش تفسیر روایی - اجتهادی (ادبی) آیه مودت را تفسیر کرده و نظر مودت قریش به پیامبر (ص) به جهت خویشاوندی با آن حضرت را استنباط نموده است. در بررسی میزان تأثیر پیش‌فرض‌های کلامی و شرایط اجتماعی در تفسیر طبری باید گفت که تفسیر طبری صرفاً تفسیری روایی نیست؛ زیرا طبری به مسائل و مباحث کلامی نیز توجه داشته و نظریات خود را در قالب گردآوری و نقل احادیثی دال بر موضع کلامی خود بیان کرده است. وی کمتر به نقد مستقیم نظریات گروه‌های مخالف پرداخته است. ولی در مورد نقش و جایگاه اهل بیت (ع) در این تفسیر، ابهامات و شبهاتی وجود دارد که به نظر می‌رسد فشارها و حملات فرقه حنابله مسبب این ابهامات هستند؛ چرا که در برخی کتب وی و حتی در خود تفسیر طبری از فضائل اهل بیت پیامبر (ص) خالی نیست (از باب نمونه ذیل سوره آل عمران، آیه ۶۱ سوره مائده، آیه ۵۵ سوره ضحی، آیه ۵ و سوره احزاب، آیه ۳۳)، ولی در موارد متعدد، به شأن نزول آیات مرتبط با اهل بیت، به‌رغم تصریح به آن‌ها در منابع دیگر، اشاره‌ای نشده است. مهم‌تر از همه، عدم تصریح یا اشاره به ماجرای غدیر خم، ذیل آیه ۶۷ سوره مائده

است، در حالی که وی در کتابی جداگانه روایات فراوانی در این باب گرد آورده است. در ذیل آیه ۳ سوره مائده نیز نزول آن را در آخرین حج پیامبر، در روز عرفه دانسته و حتی قول به نزول آن در هجدهم ذی حجه را نیاورده است (طبری ۱۴۰۶: ۶/۳۵). این در حالی است که وی دو روایت دال بر وفات پیامبر، هشتاد و یک روز بعد از نزول این آیه، نقل کرده که با توجه به تاریخ وفات پیامبر در ۲ یا ۱۲ ربیع الاول به روایت اهل سنت و ۲۸ صفر به روایت شیعه ناسازگار است. طبری روایات اندکی نیز به نقل از اهل بیت آورده است. از جمله، خبری است به نقل از امام باقر علیه السلام در شأن نزول آیه برائت، (توبه، ۹) که طبق آن به پیامبر وحی می شود که آیه را باید خود او یا یک تن از تبار او ابلاغ کند و از این رو علی علیه السلام مأمور ابلاغ آیه می شود (همان، ۴۷/۱۰).

در مورد مذهب طبری، احمد ذهبی (متوفای ۷۴۸) او را با عنوان یکی از پیشوایان بزرگ اسلام و فردی مورد اعتماد یاد می کند و درباره او می گوید: ثقة صادق، فیه تشیع و موالات لاتضر (ذهبی، ۱۳۹۶: ۳/۴۹۹)، او را به وثاقت و صداقت لهجه وصف می کند و اضافه می کند: در وجود او تشیع و موالات (ارادتمندی نسبت به خاندان نبوت) یافت می شود که به مقام شامخ وی زیان نمی رساند. وی تفسیر خود را با ذکر درود بر پیامبر و آل او آغاز می کند (طبری، ۱۴۰۶: ۱/۳). یاقوت حموی او را تکذیب می کند و معتقد است ابو جعفر طبری، رافضی (شیعه تندرو) نیست. وی می گوید: «پیروان مذهب حنبلی بر او حسادت ورزیده و او را به تشیع متهم ساخته اند و خوارزمی آن را معتنم شمرده و به آن افتخار کرده است» (حموی، ۱۳۸۱: ۱/۵۷). وی درباره حدیث غدیر، تألیفی در دو مجلد دارد که روایات و طرق و اسناد حدیث غدیر را در آن گرد آورده است. (فیروزآبادی، ۱۳۹۲: ۲/۱۸۹) تألیفی دیگر نیز درباره حدیث طیر مشوی که یکی از بزرگ ترین فضایل امیر مؤمنان علی (علیه السلام) محسوب می شود، دارد و در آن، تمامی طرق و اسناد این حدیث را جمع آوری کرده است (ابن کثیر، ۱۴۱۱: ۱۱/۱۴۷). یاقوت حموی می گوید، طبری کتاب احادیث غدیر خم را در پی تکذیب یکی از مشایخ بغداد که ابن عساکر نام او را ابوبکر بن ابی داود سجستانی یاد می کند نوشت که می گفت: این حدیث دروغ است؛ زیرا علی (علیه السلام) در آن هنگام در یمن به سر می برده است. ابو جعفر طبری پس از

شنیدن این گفتار به نوشتن کتاب یاد شده همت گماشت. او در این کتاب، ابتدا فضایل امیر مؤمنان را یاد می‌کند؛ سپس به گردآوری طرق و اسناد حدیث غدیر پرداخته است. یاقوت می‌گوید موقعی که این کتاب را نوشت، گروه زیادی از شیعیان بغداد گرد او آمدند تا نوشته او را استماع کنند. وی برای متهم نشدن به رافضی بودن، صفحاتی در فضائل شیخین بر آن افزود. سپس با درخواست عباسیان رساله‌ای در فضائل عباس نگاشت که از این کار خسته شد و دیگر به این گونه درخواست‌ها پاسخ نداد (حموی، ۱۳۸۱: ۵/۲۶۹). یاقوت می‌گوید: چون وی متهم به تشیع بود، از بیم گستاخی عامه، او را در شب به خاک سپردند (همان، ۲۴۲). این وصف، به جهت فشار حنبلیان بر طبری و ترس از آسیب‌های آنان، گاه می‌بینیم طبری در تفسیرش گزارشی دارد که پیوند او با اهل بیت را زیر سؤال می‌برد. شاید تحت تأثیر شرایط و فضای محیط اجتماعی آن روز قرار گرفته باشد؛ به‌ویژه به این دلیل که تفسیر وی در آن هنگام مورد توجه عموم بود و بهترین تفسیری بود که در آن عهد عرضه شد و مورد استقبال همگان قرار گرفت (معرفت، ۱۳۸۰: ۲/۱۷۲). وی ذیل آیه: «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ» (شعرا، ۲۱۴)، حدیث مفصلی از مولا امیر مؤمنان (علیه‌السلام) از طریق محمد بن اسحاق، تاریخ نگار بزرگ صدر اسلام، نقل می‌کند؛ بدین مضمون که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌و آله و سلم دستور داد تا غذایی فراهم شود و تمامی خویشاوندان خود را دعوت کرد. در آن جمع همه فرزندان و نوادگان هاشم و عبدالمطلب حضور یافتند. آن گاه به آنان فرمود: بهترین تحفه را برای شما آورده‌ام؛ آن که به خدا شرک نورزید و تنها او را بپرستید و هر که از شما در اجابت دعوت پیشی گیرد و مرا در این امر یاری کند، وصی و جانشین و وزیر من خواهد بود. این سخن را تکرار کرد ولی هیچ یک جوابی ندادند و هر بار علی (علیه‌السلام) از جا بر می‌خواست و لبیک می‌گفت. در نهایت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌و آله و سلم فرمود: حال که چنین است، بدانید که علی، خلیفه و جانشین من خواهد بود و از هم اکنون مطیع و فرمان‌بردار وی باشید. ابولهب و دیگران برخاستند و با تمسخر به ابوطالب گفتند، از هم اکنون تو را دستور داده تا فرمان‌بردار فرزندت باشی! ولی طبری در تفسیر خود آن را با ابهام آورده است؛ بدین گونه فایکم یوازرنی علی‌هذا الامر علی أن یکون أخی و کذا و کذا؛ و گفته پیامبر (ص) را چنین آورده است: ان هذا أخی و

کذا و کذا فاسمعوا له و أطيعوا (طبری، ۱۴۰۶: ۱۹ / ۷۵). اکنون این سؤال مطرح است که چرا طبری در تاریخ آشکارا واقعیت را گزارش کرده ولی در تفسیر، راه ابهام گویی را پیموده است؟ همان است که قبلاً اشاره شد. تفسیر وی محط نظر همگان و عامه مردم بوده و از غوغاگران نادان هراس داشته است؛ ولی این ویژگی در تاریخش وجود نداشته و توانسته است آزادانه گزارش کند (معرفت، ۱۳۸۰: ۲ / ۱۷۵).

از میان تفاسیر اهل سنت که تحت تأثیر شرایط اجتماعی جریان خلفا، نظریه نسخ آیه مودت را در تفسیر آن برگزیده است، تفسیر المحرر الوجیز فی تفسیر الکتب العزیز از ابن عطیه اندلسی از تفاسیر اجتهادی اهل سنت در قرن ششم است. در مورد رویکرد ابن عطیه اندلسی در تفسیر آیات مربوط به فضایل اهل بیت باید گفت که وی تحت تأثیر جریان و مکتب خلفا قرار گرفته و تا حد امکان سعی در طفره رفتن از بیان فضایل اهل بیت بر می آید. در نقل روایات، گاهی از گفتار ائمه اهل بیت علیهم السلام آغاز می کند. معمولاً هنگامی که اظهار نظر می کند، آن را با عنوان قال القاضی ابو محمد مطرح می کند، این روش، به تفسیر املائی می ماند تا انشایی و می رساند که وی تفسیر خود را بر جمع شاگردان املا می کرده و آنان می نوشته اند، مانند فراء در «معانی القرآن». ابن عطیه در جهتی از تفسیر خود محافظه کارانه عمل کرده است، مثلاً در تفسیر آیه «و انذر عشیرتک الاقربین» (شعرا، ۲۱۴) روایت وارده را به طور سر بسته و ابهام گونه نقل کرده است (ابن عطیه اندلسی، ۱۴۲۳: ۴ / ۲۴۵). هم چنین ذیل آیه تطهیر (احزاب، ۳۳) شأن نزول آن را درباره اهل بیت علیه السلام (۵ تن آل عبا) دانسته و روایات مربوط به آن را به عنوان رأی مشهور آورده است، ولی احتمال می دهد شامل زوجات نیز بشود با این وصف سخن پیامبر (ص) خطاب به ام سلمه (انت الی خیر) را نیز در پی آن آورده و مسئله را مبهم رها کرده است. ذیل آیه مربوط به خاتم بخشی علی علیه السلام، (مائده، ۵۵) اقوال مفسرین را در این خصوص که علی علیه السلام هنگام نزول آیه، در حال رکوع، انگشتر خود را به سائل بخشید، می آورد و روایت می کند که پیامبر (ص) پس از نزول آیه از خانه بیرون آمد، سائلی را دید و از او پرسید: کسی به تو چیزی داده است؟ عرض کرد: آری، آن مرد نماز گزار، این انگشتری نقره را در حال رکوع به من بخشید حضرت نگاه کرد و دید آن که مرد به او اشاره می کند،

علی علیه السلام است. آن گاه گفت: الله اکبر و آیه را بر مردم خواند. ابن عطیه سپس طبق شیوه خود، با سکوت از کنار قضیه می‌گذرد (همان، ۳۸۴).

از دیگر تفاسیر اهل سنت طبقه چهارم اهل سنت که همچون تفسیر مفاتیح الغیب فخر رازی برخلاف نظرات غالب تفاسیر اهل سنت آیه مودت را به مودت در حق اهل بیت پیامبر (ص) و اصحاب آن حضرت تفسیر نموده‌اند، تفسیر روح المعانی فی تفسیر القرآن الکریم از سید محمود آلوسی از تفاسیر اجتهادی و کلامی اهل سنت در قرن سیزدهم است که به شیوه اجتهادی آیه مودت را به مودت اهل بیت پیامبر (ص) تفسیر نموده با این تفاوت که در کنار مودت اهل بیت، مودت اصحاب پیامبر (ص) را به‌عنوان ستارگان هدایت واجب می‌داند.

از برجسته‌ترین آثار آلوسی تفسیر روح المعانی است که تفسیری است عقلی و اجتهادی که روش بلاغی، بیانی و ادبی را پیش می‌گیرد. آلوسی در تفسیر خود درباره مسائل اصول و فروع، از مذهب سلف تأثیر پذیرفته و آشکارا آن را بیان می‌دارد، وی به معتزله و شیعه بسیار می‌تازد از جمله ذیل آیه ۱۵ سوره بقره که به زمخشری می‌تازد. وی شیوه بدینی به شیعه و تهمت‌های ناروای سلف خویش را دنبال کرده، در هر مناسبت، تهمت‌هایی بیان نموده که در کلام گذشتگان نبوده است؛ مانند، سوره ساختگی «الولایة» که نویسنده زردشتی «دبستان المذاهب» آن را به شیعه نسبت داده و در هیچ یک از منابع شیعه یافت نشده است، آلوسی آن را به «ابن شهر آشوب» نسبت می‌دهد. وی مسائل فقهی را هم به‌طور گسترده بیان می‌کند و آرای فقها و مناقشات و مجادلات آنان را یادآور می‌شود، چنان که از تفسیر به کتاب فقه تبدیل می‌شود مانند آیه ۲۳۶ سوره بقره. در مسائل کلامی هم سخن را به درازا می‌کشاند. وی از تفسیر رمزی و عرفانی نیز چشم نمی‌پوشد ولی پس از تفسیر ظاهری آیات، در حدّ توان به آن می‌پردازد، در این مورد از تفاسیر نیشابوری، قشیری، ابن عربی و مانند آن، بهره می‌گیرد (معرفت، ۱۳۸۰: ۲/۳۰۱؛ یازی، ۱۴۱۸: ۴۸۰؛ ذهبی، ۳۵۲/۱؛ خرماهی، ۱۳۶۴: ۱/۷۰۳). وی در تفسیر آیات مربوط به اهل بیت (ع) به‌خصوص آن آسانی که دلالت بر ولایت و خلافت اهل بیت بشود، مخالفت نشان داده و می‌گوید: روایاتی که شیعه در ذیل آیه «و انذر عشیرتک الاقربین» (شعرا، ۲۱۴) به

آن‌ها تمسک می‌جویند و ادعا دارند که آن آیه در مورد امر خلافت است، روایاتی مؤول یا ضعیف یا موضوع و جعلی است (آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۳۳/۱۰)؛ اما در مورد آیه تطهیر آن را به حضرت علی (ع) حضرت فاطمه و حسن و حسین (علیهم‌السلام) تفسیر می‌کند (همان، ۱۹۶/۱۱). هم چنین در ذیل آیه ۳ و ۶۷ سوره مائده به داستان غدیر خم اصلاً اشاره‌ای نمی‌کند (همان، ۴/۳۵۸). در مورد آیه ولایت (مائده، ۵۵) وی بعد از توضیحات مختلف در نهایت می‌گوید غالب اخباریان معتقدند که این آیه در مورد حضرت علی (ع) نازل شده است.

عامل اجتماعی و نزاع‌های مذهبی

برخی مفسران اهل سنت به جهت تأثیرپذیری از شرایط اجتماعی و سیاسی زمان خود همواره سعی داشتند سبب نزولی را برای برخی آیات فضایل تبیین نمایند که اهل بیت را از دایره شمول آن خارج نمایند؛ چرا که رواج حداکثری عقاید فقهی اهل سنت در جهان اسلام و حاکمیت طولانی سیاست مداران آنان بر قلمرو جهان اسلام و به انزوا فرو بردن شیعیان و خفقان علیه آنان، موجب ابراز چنین رأیی در مورد سبب نزول آیه مودت گردیده است؛ هر چند که تعداد زیادی از مفسران بزرگ اهل سنت در تفسیرشان اعتراف کرده‌اند که محل نزول این آیه و آیات دیگر، مدینه است و تمام مفسران مکتب اهل بیت به دلیل روایات متعدد از ائمه هدی بالاتفاق قائل‌اند که آیه مودت در شان اهل بیت نازل شده است که مقام والای آن‌ها را بیان کرده و وجوب محبت و مودت آن‌ها را بر همه مسلمین واجب کرده است. در اینجا به تاریخ سیاسی مفسران اهل سنت اشاره می‌شود و رویدادهایی که بر تفاسیر اهل سنت بسیار تأثیر مستقیمی داشته است. به‌رحال جریان‌های فکری دنیای سنی متأثر از رویکردهای غالب و سیاسی بوده‌اند؛

هر گونه مطالعه‌ای درباره تاریخ دینی این جوامع مستلزم بررسی همه جانبه در تحولات سیاسی آن‌هاست که خود نیازمند مطالعات دراز دامن همه جانبه است؛ بنابراین بدون هیچ تأکید دوباره‌ای در این باره، بحث را از این زاویه پیش می‌کشیم که در قرن‌های سوم و چهارم قمری و به دلیل پیدایی دولت‌های کوچک و بزرگ در پهنه دارالسلام از یک سو و همچنین حمله‌هایی که از سوی گروه‌های مختلف شیعه بر بنیاد اندیشه و ساختار

سیاسی اهل سنت وارد می‌شد، خلافت عباسی چه از لحاظ نظری و چه از لحاظ واقعیت سیاسی دچار ضعف و سستی گردید و به دلیل اختلافات درون سنی از یک سو و ضعف نظام خلافت ناشی از نفوذ امرا و فرماندهان نظامی و مدعیان حکومت بر بغداد، علمای سنی نتوانستند در برابر همه این تهدیدها اقدام مؤثری در راستای حمایت از اندیشه یکپارچه سنی و یا دست کم نظام سنی خلافت انجام دهند. بروز فتنه‌های شهری در بغداد و جنگ‌ها و خونریزی‌های گاه و بیگاه، نشان دهنده بحران در سطح قدرت در قلب جهان اسلام بود. این جنگ و فتنه‌ها با همه عوامل پنهان و غیر پنهان سیاسی و اجتماعی و اقتصادی که داشت، نشان دهنده یک چیز و آن هم تحولاتی بود که در ساختار طبقات جامعه و گرایش‌های مذهبی و سیاسی آنان در حال انجام بود و پایان تدریجی دوره‌ای از تعاملات جامعه با حکومت و بافت قدرت و شروع دوره‌ای نوین که بیش از هر چیز رو به سوی تغییر بافت حاکمیت و طبقات متنفذ اجتماعی داشت را نشان می‌داد. در مورد طبقات اجتماعی، از یک سو طبقه دیوان سالاران دولتی و نخبگان روشنفکر و اهل ادب و علما و فقها و مذاهب فقهی از دیگر سو را باید مورد توجه قرار داد.

گرچه پاسخ به انگیزه‌ها و چالش‌های سیاسی و تحولات تاریخی از یک سو و نیز تأملات درون اعتقادی و فقهی مذاهب و ایجاد احساسی درون سنی برای تحول در اندیشه اهل سنت و جماعت به منظور ارائه به صورت مذهب جامع و برای سواد اعظم مسلمین، عامل اصلی برای تحول اهل سنت و جماعت بود، ولی بی‌تردید و چنانکه بررسی منابع تاریخی به خوبی نشان می‌دهد، اراده سیاسی خلیفگان عباسی از یک سو و حکومت‌های سلطانی از دیگر سو در این فرایند نقش مهمی داشت و باید احیاگری سنی را در قرن پنجم قمری حاصل این تلاش‌های دوگانه دانست. فقها و محدثان و متکلمان سنی البته فعالیت‌های دینی و علمی خود را داشتند و در مقابل نیز اهالی قدرت سیاسی نیز تدابیر سیاسی خود را دنبال می‌کردند، ولی با بررسی روابطی که عملاً میان برخی از نمایندگان علمای سنی با خلافت و یا سلاطین برقرار بود، می‌توان نمونه‌هایی از تلاقی و گاه همگامی را در پیدایش آنچه ما آن را احیاء گری سنی می‌نامیم، میان هر دو سو معاینه دید.

در حقیقت اهل سنت و جماعت به‌عنوان گرایش اصلی و جریان فکری اکثریت

مسلمانان، پس از چندین سده منازعات و تحولات و مناسبات با قدرت‌های سیاسی و سایر عوامل مؤثر در تحولات اجتماعی، به‌عنوان پاک‌اندیشی اسلامی مطرح گردید. از شخصیت‌های دینی محوری در این دوره، ابوالحسن ماوردی به‌عنوان شخصیتی که با تالیف چندین کتاب و مهم‌تر از همه الاحکام السلطانیه در تثبیت اهل سنت و جماعت کوشیده است، شایان توجه بیشتری است. شرایط خلافت و مذهب اهل سنت در نیمه دوم قرن چهارم قمری، اسباب تالیف کتاب الاحکام السلطانیه را از سوی ماوردی ایجاد کرد. این شرایط اجتماعی خود را بر نظریه سیاسی ماوردی تحمیل کرد، به‌طوری که می‌توان گفت ماوردی ضمن اینکه کوشیده است نظریه‌ای اصیل و متکی بر منابع شریعت عرضه کند، در عین حال نظریه او بازتابی است از واقعیت سیاسی آن دوره.

فقهای سنی که بنیاد امامت و خلافت را از نقطه نظر اسلام سنی بر مصلحت استوار می‌دیدند، در متحول کردن ساختار و شرایط مشروعیت سیاسی بر بنیاد مصلحت، تناقضی با هندسه معرفت دینی سنی نمی‌یافتند و بنابراین ضمن تأکید بر ضرورت حفظ و تداوم بنیاد خلافت، از حکومت‌های سلطانی دفاع می‌کردند. البته در دوره‌های مختلف این مسئله تفاوت می‌کرده است؛ به‌طور مثال در دوره سلاجقه مواضع حنفیان به دلیل حنفی بودن سلاطین سلجوقی و حمایت آنان از مذهب و فقهای حنفی، نسبت به حکومت مثبت بود. در همین دوره به دلیل حمایت خواجه نظام الملک، وزیر نامدار و پر نفوذ سلاجقه از شافعیان، شافعیان از موضع او حتی شاید نسبت به خلیفگان عباسی دفاع می‌کردند؛ اما اصولاً در نیمه دوم عصر عباسی، این حنبلیان بودند که از خلفای عباسی حمایت جانانه می‌کردند (غزالی، ۱۳۵۲ ق، ۲/۱۲۴)

تاویل منابع

یکی از شیوه‌های برخی مفسران اهل سنت در مواجهه با آیات فضایل، تأویل سندی آن‌هاست؛ عده‌ای از اهل سنت، پا را از گروه پیشین فراتر گذاشته و به جعل حدیث دست زده‌اند. برخی از این روایات تفسیری منسوب به پیامبر اکرم و ائمه اهل بیت، اعم از اسباب نزول، احکام و... به‌طور عمدی برای مقابله با احادیثی ساخته شده است که تفسیر صحیح آیات مربوط به ولایت و عصمت و امامت و فضایل اهل بیت است. نمونه‌هایی از این اخبار

ذکر می‌شود:

در پی آیه (النساء / ۴۳) در حکم ورود جنب به مسجد، آورده‌اند: عمرو بن میمون از ابن عباس نقل می‌کند که گوید رسول خدا فرمود: «سدوا الأبواب إلا باب علی» (قرطبی، ۱۴۰۶، ۵ / ۲۰۸) ولی برخی از اهل سنت این حدیث صحیح را این گونه تحریف کرده‌اند: «سدوا الأبواب إلا باب ابي یکر» و افزوده‌اند: پیامبر فرمود: «از امین‌ترین مردم بر من در مصاحبت و مال خود، ابوبکر است و اگر من جز پروردگرم دوستی را بر می‌گرفتم، ابوبکر را انتخاب می‌کردم جز در خانه ابوبکر، همه ذره‌ایی که به مسجد گشوده است، بسته شود. (قاسمی، ۱۳۹۸ ج ۳، ص ۱۱۷)

ابن عربی گوید، عطاء بن سائب ما را حدیث کرد که عبدالرحمن بن عوف طعام و شرابی فراهم ساخت و چند تن از اصحاب پیامبر بالا را دعوت کرد، سپس به امامت نماز مغرب ایستاد و سوره کافرون را غلط خواند. در پی آن خدای متعال این آیه را نازل کرد: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، در حال مستی به نماز نزدیک نشوید تا بدانید چه می‌گویید...»

چنان که ملاحظه می‌شود، عبدالرحمن بن عوف خود امامت نماز مغرب را به عهده می‌گیرد و اسمی از امام علی در آن نیست، بدین ترتیب افزودن نام ایشان در خبر و نقل آن از زبان ایشان از دسیسه‌های دشمنان اهل بیت است. تردید نیست که وقتی نتوانسته‌اند سابقه برخی صحابه را در شرب خمر پاک کنند، (ابن عربی، ج ۱ ص ۱۵۳؛ جصاص، ج ۲، ص ۴؛ بیضاوی، ج ۱، ص ۱۳۸) با جعل یک حدیث، امام علی را به پندار خود با آنان یکسان جلوه داده‌اند. البته این نمونه را از زاویه‌ای دیگر می‌توان از مصادیق تحریف به شمار آورد در باره آیه: «إنما ولیکم الله ورسوله و الذین آمنوا...» گفته‌اند: ابوجعفر محمد بن علی باقر گفت: «در باره‌ی مؤمنان نازل شده است، به او گفته شد: «برخی می‌گویند که آن در باره علی بن ابی‌طالب نازل شده است. گفت: «او از مؤمنان است. (مطرزی، ج ۳، ص ۱۳۳)

نتیجه گیری

اکثر تفاسیر اهل سنت در ادوار مختلف تاریخی از متقدمین تا متأخرین و زمان حال با تأثیرپذیری از پیش فرض‌های کلامی و شرایط اجتماعی جریان و مکتب خلفا هر کدام با تکیه بر جنبه‌های فقهی (مالکی، حنبلی، شافعی و حنفی) یا کلامی (اشعری، معتزله و غیره) مورد قبول خود، اقدام به تفسیر آیات فضایل و دیگر آیات مربوط به اهل بیت کرده‌اند و تا جایی که از بدیهی‌ترین و متواترترین روایات مربوط به سبب نزول آیات مربوط به ولایت و امامت اهل بیت (ع) چشم‌پوشی نموده و از ذکر آن‌ها در تفسیر خود اجتناب نموده‌اند. با این وجود از میان تفاسیر اهل سنت برخی از آن‌ها حداقل در جنبه مصداقی آیات فضایل را به مودت اهل بیت (ع) تفسیر نموده‌اند و گاهی در کنار اهل بیت (ع) به جهت تأثیرپذیری از عقیده جریان خلفا مبنی بر تعدیل صحابه، صحابه پیامبر (ص) را به مثابه ستارگانی تلقی کرده‌اند که کشتی اهل بیت برای رسیدن به مقصد، به آن علائم و چراغ راه نیازمند می‌باشند؛ برای مثال تفاسیر جریان و مکتب خلفا برای دفاع از عقاید کلامی خود در تفسیر آیه مودت دست به اقداماتی از جمله: مکی النزول دانستن آن، منقطع دانستن استثناء در آن، معنای مجازی سببیت قائل شدن بر حرف «فی» در آیه مودت، سعی در عدول از تفسیر حقیقی آیه مودت نموده و حدود پنج نظر مختلف ارائه داده‌اند. به نظر می‌رسد به جهت تأثیر شرایط اجتماعی و سیاسی اکثریت اهل سنت در آن دوره بوده است که دیگر آیات فضایل نیز به خاطر شرایط سیاسی چنین تحریف‌های را به خود دیده است.

جایگاه اهل بیت علیهم‌السلام در روایات کتب حدیثی و معاجم اهل سنت، به‌طور مستقیم یا با واسطه برخی از کتب شیعه، مانند کتاب غایة‌المرام مرحوم بحرانی، از دیگر بررسی‌های رساله حاضر بوده است و مکمل آن، بررسی آرا و اقوال و نظریات و احادیث تفسیری و احادیث کتب حدیثی با ذکر احادیث نمونه از مفسران اهل سنت است. همچنین، سرسختی بی‌دلیل دو طایفه از مخالفان اهل بیت علیهم‌السلام و بی‌توجهی آنان نسبت به اعترافات همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و تصریح آن حضرت و نیز موقف خاص آیه تطهیر در میان آیات مربوط به همسران پیامبر صلی الله علیه و آله، استقلال یا وابسته بودن

آیه تطهیر، دو تیره شدن خاندان وسیع پیامبر صلی الله علیه وآله: زنان پیامبر صلی الله علیه وآله و اهل البیت (اهل کسا)، مطالب مهم دیگری است.

آخرین بحث، درباره آیات فضایل در پرتو آیه «إِنَّمَا وَلِيكُمُ اللَّهُ...» با ذکر مفهوم لغوی ولایت و نقل روایات و نظریات تفسیری مهم اهل سنت است و با نقد و بررسی، نادرستی سخن علمای اهل سنت درباره ولایت ثابت شده است. سپس انواع ولایت‌ها در قرآن، مورد بحث و بررسی قرار گرفته و آنگاه، ولایت اهل بیت با الهام از حب متقابل خدا و رسول در آیه شریف «و من یرتد منکم عن دینه...» با نقد و بررسی آرا و دیدگاه‌های علمای اهل سنت درباره آیه یاد شده مطرح شده است. نگارنده، در پایان به این نتیجه رسیده است که اهل بیت علیهم السلام در تفاسیر مهم اهل سنت با اذعان و اعتراف اکثر مفسران و محدثان سنّی جایگاهی بس رفیع و منزلتی بی‌بدیل دارند و همراه و قرین قرآن‌اند.

با تأملی در منابع تفسیری، حدیثی، رجالی و تاریخی اهل سنت، می‌توان صدها آیه با عنوان‌های متعدد در شأن خاندان اهل بیت (ع) به دست آورد. اهل سنت، روایات تفسیری و غیر تفسیری فراوان و باارزشی دارند که با اسناد معتبر، در منابع معتبر آنها وارد شده است؛ به طوری که برخی دانشمندان اهل سنت در مورد بعضی از این روایات، ادعای تواتر و گاهی اجماع کرده‌اند. قرآن به برخی حقوق بسیار اساسی اهل بیت (ع) اشاره کرده که نجات و سعادت آدمی در گرو شناخت و ادای این حقوق است. این حقوق که برخی مادی و بعضی معنوی‌اند، عبارت‌اند از: حق ولایت و رهبری، حق مودت و دوستی، حق صلوات و سلام، حق فیء و حق خمس. متأسفانه پس از رسول خدا (ص)، جریان فضیلت سوز و فضیلت‌ساز، تمام تلاش خود را صرف کتمان و انکار فضایل اهل بیت (ع) و ساختن فضیلت برای دیگران کرده بود.

فهرست منابع

۱. ابن ابی الحدید معتزلی، عبد الحمید، شرح نهج البلاغۃ. قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۴۰۴ق
۲. ابن سعد هاشمی بصری، محمد بن سعلین منیع. الطبقات الكبرى. تحقیق محمد عبد القادر عطاء | بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۰ق
۳. ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، بی جا، مولی، ۱۳۹۵..
۴. ابن عطیه، ابھی المراد فی شرح علما بغداد، بیروت: موسسه اعلمی، ۱۴۲۳
۵. ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۱۹
۶. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحکم.. منهاج السنۃ النبویة. عربستان: جامعه الإمام محمد بن سعود. ۱۴۰۶
۷. ابن منظور، محمد بن مکرم. لسان العرب. بیروت: دار صادر. ۱۴۰۶ق.
۸. ایازی، سید محمد علی، المفسرون حیاتهم و منهجهم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۸.
۹. آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم. بیروت: دار الکتب العلمیه. ۱۴۱۵ق
۱۰. بیضاوی، عبدالین عمر، أنوار التنزیل و أسرار التأویل. تحقیق: محمد عبد الرحمن المرعشلی. بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ق
۱۱. جصاص، احملین علی، احکام القرآن (جصاص). تحقیق: محمد صادق قمحاوی. بیروت: دار احیاء التراث اعربی، ۱۴۰۵ق
۱۲. حموی، یاقوت. معجم البلدان. ترجمه: علینقی منزوب. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور، معاونت پژوهشی. ۱۳۸۱
۱۳. خرمشاهی، بهاء الدین. تفسیر و تفاسیر جدید، سازمان انتشارات کیهان، تهران، ۱۳۶۴.
۱۴. ذهبی، محمد حسین، التفسیر و المفسرون، دار الکتب الحدیثه، الطبعة الثانية، ۱۳۹۶ ق

۱۵. رجبی، م؛ و دیگران. روش شناسی تفسیر قرآن. قم: نشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ۱۳۷۹
۱۶. رستمی، علیرضا. (۱۳۸۸). تاثیر جریان‌های سیاسی بر تفسیر و مفسران. قم: موسسه بوستان کتاب (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم). ۱۳۸۸
۱۷. سید رضی، محملین حسین - نهج البلاغه، قم: دار الهجره
۱۸. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه قم، پنجم: ۱۴۱۷ ق.
۱۹. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۰۶ ق.
۲۰. غزالی، الاحیاء، قاهره، ۱۳۵۲ ق
۲۱. فیروزآبادی (حسینی)، سید مرتضی.. فضائل الخمسه من الصحاح الستة. تصحیح: شیخ محمد، آخوندی. تهران: دار الکتب الاسلامیه. چاپ دوم. ۱۳۹۲.
۲۲. قاسمی، جمال الدین، محاسن التأویل، بیروت، دارالفکر، ۱۳۹۸ ق.
۲۳. قرطبی، محملین احمد، الجامع لأحكام القرآن. تهران: ناصر خسرو، ۱۴۰۶ ق
۲۴. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت، موسسه الوفاء، ۱۴۰۳ ق.
۲۵. مطرزی، ناصرالدین، المغرب فی ترتیب المعرب، سوریه، مکتبه اسامه بن زید،
۲۶. معرفت، محمدهادی. تفسیر و مفسران. قم: موسسه فرهنگی تمهید. چاپ اول. ۱۳۸۰
۲۷. هیشمی، علی بن ابی بکر. مجمع الزوائد. بیروت: دارالکتاب. ۱۹۶۷ م.